



سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati

Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Email: shararehzeaei.p@gmail.com

Managing editor: Sharareh Rezaei

عناوین

- گزارشی از کمپین یک ماهه دفاع از پناهندگان (گوتنبرگ-سوئد) شیرین شکرزاده
- قدرتانی از سازمان رهایی زن فاطمه پرنده
- نظرخواهی رادیویی درباره زنان و انتخابات شراره رضایی
- به نهاد علیه اعدام ببینید! مهوش elasوند و بیژن فتاحی
- گفتگوی روزنامه شرق با کبری رحمانپور: " بارها اعدام شدم!"
- زنان و انتخابات ثریا شهابی
- کدام انتخابات! سیروان فتاحی
- یک نظرسنجی کوتاه درباره انتخابات رژیم اسلامی (گوتنبرگ-سوئد) شراره رضایی
- زنان و انتخابات شهلا وکیلی تجربه
- نمایش تکراری مضحکه انتخابات نه به انتصاب، به به جمهوری اسلامی شیرین شکرزاده
- تغییرات قانون مجازات اسلامی (سنگسار و سقط جنین) صفحه خبری
- گزینش خوشبختی میان بد و بدتر مژگان حاصلی
- اطلاعات تماس با رهایی زن و نمایندگان آن

باتوجه به اینکه نظرانی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.

مینو همتی

با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی و..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به

Markazi@RahaiZan.org

آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.



زنان و انتخابات رژیم اسلامی

ثریا شهابی

توضیح رهایی زن: این گفتگو پیش از تعیین صلاحیت کاندیداها توسط شورای نگهبان، صورت گرفته و از تلویزیون پخش شده است.

مقدمه و معرفی برنامه :

رهایی زن: دگر بار نوبت به نمایش تئاتر انتخابات در دو پرده فرارسید. پرده اول پشت درهای بسته بیت رهبری رژیم اسلامی و پرده دوم تعزیه گردانی برای دنیای غرب که ماهم از این بازیها بلدیم. فرصت را غنیمت می‌شماریم و بایکی از صاحب نظران مدافع حقوق زن، ثریا شهابی به گفتگو مینشینیم. ثریا شهابی عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

رژیم اسلامی نمایش انتخاباتی فراوانی در طول حیات خود برپا کرده و تعدادی را با بیولوژی زنانه لیکن تفکر و اعتقادات مردسالارانه به مجلسش راه داده است. آیا هیچ یک از انتخاباتهای رژیم اسلامی باری را از دوش زنان برداشته است؟

ثریا شهابی : در هیچ کدام از انتخابات رژیم نه تنها باری از دوش زنان برداشته نشده است بلکه یکی پس از دیگری کوهی از بار و فشار روی دوش زنان گذاشته شده است. من فکر نمیکنم هیچ کسی بتواند ادعا کند که این انتخابات ربطی به حقوق زنان دارد. هم اولین انتخابات در جمهوری اسلامی هم ده انتخابات قبلی ریاست

جمهوری همه علیه ابتدایی ترین خواست انسانی مردم و خواست زنان بود. این انتخابات اخیر، انتخابات یازدهمین رئیس جمهور هم قرار است، تا جایی که به حقوق زنان مربوط میشود، چیزی در ادامه همه آنها باشد. نه قرار است و نه قرار بوده است که هیچ وقت این انتخابات ها به اصطلاح یک دستور عمل و موضوع حقوق زنان را در بر داشته باشد.

معمولا حول وحوش انتخابات ها برای تیغات انتخاباتی حرف از کم کردن فشارها بر روی زنان و روی جوانان و به اصطلاح کم کردن تخاصم با اسرائیل و کم کردن تخاصم با غرب، مطرح میشود. در دیپلماسی بین المللی مواضع بالا و پایین میروند. ولی تا انجایی که به موقعیت زنان بر میگردد در دستور کار هیچ کدام از آنهاپی که درگیر انتخابات هستند، بهبود وضع زنان نیست.

پرشتاب ترین این مقاطع، زمان جنبش سبز بود که خانم زهرا رهنور خودش را به عنوان کسی که ظاهرا طرفدار حقوق زنان است در میدان انتخاباتی وارد کرد. واقعه ای که یک ریشخند خشک و تلخ بود به موقیت زنان در ایران. جنبش که این همه سرکوب و این همه قوانین زن ستیز در مورد موقیت زن در خانواده و حقوقش نسبت به کودکان و حقوقش در انتخاب همسر و حق آزادی در انتخاب پوشش و معاشرت و همه این ها را ازش گرفته اند، و خانم زهرا رهنور را به عنوان تنها انتخاب در مقابل او گذاشته اند! کسی که فرقی با اسلاميون سیاه این است که این یکی روسری اش "گل منگلی" است یا دست آقای موسوی را یواشکی میگیرد! و عده ای

هم سعی کردند که این را به عنوان یک گشایش در موقعیت زنان، قالب کنند.

نه همچین خبری نیست و نه همچین قرارى بوده که این انتخابات ها موضوع اش حقوق زنان و حق اکثریت مردم باشد. موضوع دعواى داخلی خودشان است و این که چطوری در دل این فشار ها بحران اقتصادى و سیاسى که دارند چطوری و چه آرایش به خودشان بدهند، چه کسی را کنار بگذرانند و چه کسی را اضافه کنند که بتوانند "بی دردسر تر" حکومت کنند.

کمترین توهمی نسبت به این انتخابات تبدیل کردن زنان و جوانان به گوشت دم توپ جنگ آقای رفسنجانی و مشایى و احمدی نژاد با ولی فقیه است و مطلقا ربطی به حقوق زنان ندارد. طبعا به قول شما آوردن چند زن و اخیرا که چند زن کاندید شده اند، میتواند از طرف طیفی از روشنفکران نان به نرخ روز خور و قانونی و مجاز، که همیشه "آتش بیار" این گونه معرکه ها هستن تا "هلهله و کیکبه" راه بیاندازن که بیاید به خاطر یک خورده تغیر جمهوری اسلامی به یک زن رای بدهیم. یا این که بیاید دنبال آقای رفسنجانی راه بیفتید این دفعه چرا که ایشان قول داده اند که یک خورده فشار را کم کنند. مردم از ناچاری گاهی مستصل می شوند و

بین دشمنانشان یکی را انتخاب میکنند و لی به آنها نمیشود زیاد خورده گرفت. ولی باید یقه این روشنفکران و شخصیت های سیاسى و احزابی که در این ماجرا می افتند جلو، مردم و زنان را دعوت میکنند که بیاید در این انتخابات شرکت کنید، گرفت. این ها در واقع مثل جنبش سبز باز میخواهند اعتراضات زنان را تبدیل کنند، اینبار به پشت جبهه پیروزی آقای رفسنجانی! قبلا آقای موسوی بود امروز رفسنجانی. این چیزی جز نقطه مقابل ابتدایی ترین خواستههای انسانی زنان است.

رهایی زن: آیا انتخابات ریاست جمهوری در قوانین زن ستیز حاکمیت اسلام تخفیف خواهد داد؟

ثریا شهابی : خود نفس این سوال که آیا انتخابات های ریاست جمهوری در قوانین ضد زن و قوانین زن ستیز حاکم قرار است تخفیف بدهد؟ خودش یک کمپین انتخاباتی است. مثل این است که شما فکر کنید در مورد یک جامعه آپارتاید نژادی علیه سیاهان که مجلس گرفته اند و چند سیاه ممتاز را هم در گوشه و کنار به نوایی رسانانده اند، صحبت از آن باشد که گویا آن مجلس قرار است بیاید و در مساله آپارتاید علیه سیاهها

تخفیف دهد! انتخابات جمهوری اسلامی محل تخفیف فشار روی زنان نیست. محل تقسیم قدرت بین هیات حاکمه ایران است، که چگونه ثروت و قدرت را بین خود تقسیم کنند و چه آرایشی به خودشان بگیرند. اما همین که این سوال مطرح میشود و الان شما به درست به آن اشاره کردید و الان تمام اپوزیسیون را هم فرا گرفته، که آیا این انتخابات میتواند انتخابات آزادی باشد یا نه، آیا میتواند در قوانین زن ستیز حاکم اسلامی تخفیف بدهد یا نه، خودش یک کمپین انتخاباتی است. کسی تردید ندارد که سیستم انتخاب ریس جمهوری در ایران، با این قوانین که مثلاً آقای رفسنجانی که میخواهد کاندید بشود باید از ولی فقیه بپرسد که آنها نظرشان چه است؟ و کاندیداها هم باید از میان رجال مذهبی و سیاسی باشد و ... مسئله ای درون خانوادگی است. دموکراسی پارلمانی در ایران وجود ندارد. رقابت احزاب پارلمانی، بین خود بورژوازی وجود ندارد. صف بندی شان صبح تا شب به هم میریزند. جامعه ایران با حاکمیت یک دولت بورژوازی این چنین چیزی (دموکراسی پارلمانی) را قبول ندارد. از یک طرف مردم مستاصل و زیر فشار که امروز با احساس ناتوانی را در یک گوشه ای گیر انداخته اند و از طرف دیگر به دست یک عده روشن فکر و یک عده شخصیت سیاسی فرهنگی هنری و اصلاح طلب که برخی قدیم حزب الله بوده اند و الان نویسنده و نماینده خود و غرب گمارده "حقوق بشر" شده اند، میخواهند بازار این انتخابات را داغ نگاه دارند! طوری صحبت

میکند که گویا انتخابات میتواند انتخابات آزاد و موضوع قابل بحثی باشد. و اینکه آیا قوانین ضد زن میتواند تخفیف پیدا کند یا نه؟ در انتخابات شرکت بکنند یا نکنند، طرح مسئله انتخابات آزاد در ایران خودش یک کمپین انتخاباتی است. چرا اصلاً جمهوری اسلامی در این انتخابات باید قوانین را، به سود زنان و اکثریت مردم، تغییر دهد؟ چرا باید قوانین را به سود اقشار محروم و کارگر و کسانی که ۳۰ سال زیر فشار حاکمیت هستند، عوض کند؟ همچنین موضوعی قرار نیست اتفاق بیفتد. قرار است که بازار انتخابات را داغ کنند. رفسنجانی برای همین به میدان آماده تا یک بالانس ماندگارتری را بین خودش ایجاد کند. اینکه این صحنه به هم خواهد ریخت یا نه، موضوع دیگریست. منتها به این شکل صحنه به هم ریختن اینطور نیست که یک جنبش به سود زنان از جدال انتخابات در بیاید. جنبش دفاع از حقوق زنان علیرغم این انتخابات است و نه تنها با شرکت نکردن بلکه افشا کردن این بساط فریب و تحمیق میتواند رشد کند. و میتواند زنان و جوانان را و مردم ایران و تمام کسانی را که از بی حقوقی زن در ایران متنفرند، که ابعاد میلیونی دارد، را سازمان بدهد و عملاً قوانین ضد زن را تغییر بدهد. قوانین ضد زن در ایران را چگونه میشود تغییر داد؟ در شهر مریوان، ما نمونه خیلی خوبی داشتیم. و اینطوری میشود قانون را عوض کرد. آنها مجرمی را با لباس زنانه به داخل شهر آوردند و او را در شهر چرخاندند که به این وسیله میخواستند او را

"تنبیه" کنند و با این روش هم زنان را تحقیر کردند و هم مجرم را. و یک جنبش راه افتاد. زنان با روسری قرمزدر مریوان و مردان زیادی در شهر های کردستان لباس زنانه پوشیدند و گفتند که لباس زنانه ابزار تحقیر نیست، زن بودن ابزار تحقیر نیست. و جمهوری اسلامی مجبور شد که قانونی تصویب کند که از این به بعد مجرمان را در خیابانها نچرخانند. و به این ترتیب عقب نشینی کردند. قانون را میشود تغییر داد. نه با رفتن در "لابی" انتخابات. و رفتن در دعوای دشمنان زنان. و مردمی را از احساس ناچاری بردن به این بازی که بین آقای رفسنجانی و آقای مشایبی یکی را انتخاب کنند! قانون را میشود عوض کرد، از پایین. همانگونه که در مریوان و شهرهای کردستان دولت را مجبور کردند. که با اعتراض خودشان، صف آزادی خواهی و برابری طلبی، مجبورشان کردن قانون را عوض کنند. وقتی بالا را نمیتوانید مجبور کنید که به حرف شما گوش کند که قدرت تان را در پائین به میدان آورده باشید. اما خود طرح این سوال که میشود با این انتخابات ها قانون را عوض کرد یا نه، این هم به نظر من یک کمپینه انتخاباتی است. و بهر کس که چنین تبلیغی میکند، باید به او گفت که بساطش را بر چیند. اسلام سبز و سیاه هر دو امتحانشان را پس داده اند. اکثریت مردم و زنان احتیاج ندارند برای رسیدن به خواستههایشان به این بساط جنگ داخلی در صف دشمنانشان امید بندند.

رهایی زن: در انتخابات غریبها برای کشیدن رای زنان بسمت هر کاندیدا، وعده وعیدهایی برای دفاع

از منافع زنان داده میشود. آیا در تعزیه اسلامی انتخابات، رای زنان بجز خواهران زینب در محاسباتشان گنجانده میشود؟

ثریا شهبازی: درست است که در انتخابات جوامع غربی هم برای اینکه زنان را به سمت خودشان بکشاند وعده میدهند و کاندیداها را مطرح میشوند و کاندیداها را سیاهان پا به میدان میگذارند و کاندید مهاجرین و از اقلیت ها را مطرح میکنند که بازار انتخابات داغ شود و همه احساس کنند که این انتخابات "چند صدایی" است. این کار را میکنند ولی بلا فاصله قوانین علیه مهاجرین را به اجرا میگذارند. با شرکت همان مهاجرینی که در قدرت هستند و قوانین ضد زنان تصویب میکنند. یکی از مهم ترین نمونه این انتخاباتها خانم تاجر بود.

اما اینکه در انتخابات جمهوری اسلامی رای خواهران زینب در محاسباتشان گنجانده میشود؟ به نظر من نه تنها رای خواهران زینب بلکه اگر همه زنها رای بدهند، رای شان محاسبه میشود، منتها به نفع بخش دیگری از دشمنان زنان و مردم. آقای موسوی و کروبی و خانم زهرا رهنورد، دوستان و مدافین حقوق زنان نیستند، دشمن آنها هستند. احتیاج داشتند به این که تا حدودی دم از گشایش سیاسی و حقوق زن بزنند. آنها با جلو آوردن تپیی چون خانم زهرا رهنورد که نویسنده کتاب حجاب است، و کسی که یکی از سازمان دهندگان بی حقوقی زنان بوده، از این رای ها استفاده کردند. و آنها را در مساحباتشان میگنجانند.

ادامه در صفحه 10



انتخابات آزاد به روایت شیرین عبادی

شراره رضائی

سوال اینجاست انتظار انتخابات آزاد از کدام رژیم؟ دغدغه و دلخوری خانم عبادی و اطلاع طلبانی چون تاج زاده از زندان به رهبر رژیم برای حفظ نظام، پیام و هشدار می‌دهد و حرف از انتخاب آزاد میزند. واقعا اینها نگرانی‌شان از عدم حضور چه کسانی است؟ و با آمدن چه کسانی از دید افرادی چون عبادی و تاج زاده و اصلاح طلبان در رژیمی مثل جمهوری اسلامی انتخابات آزاد نام گذاری میشد؟!

خانم عبادی در صحبت هاشون اشاره ای دارد به آقای خاتمی که گفته "آنها نمی گذارند که بیایم!"، همانطور که آقای رفسنجانی برای اعلام کاندیداتوری ش، منتظر اجازه و تاییدیه ی رهبر بود که ظاهرا در آخرین دقایق نظر ایشان را جلب کرد و به میدان آمد، خاتمی هم همانطور که خانم عبادی به درستی میگوید معلوم است که آن شخص مجهول چه فردی بود، آقای خاتمی هم منتظر فرمان و اجازه ی رهبری شد.

بنا براین نقد خانم عبادی از انتخابات یا خواست انتخابات آزاد، دلسوزی برای طبقه

انتخابات رژیم اسلامی دگر بار "اصلاح طلبان" حکومتی و حامیان آشکار و پنهانشان را به اظهار نظر واداشته و در این میان سخنان خانم شیرین عبادی با دویچه وله قابل توجه و بررسی است.

شراره رضائی: سلام میکنم خدمت شما بینندگان عزیز تلویزیون رهایی زن

رهایی زن: آیا بنظر شما خانم شیرین عبادی به جز نظارت استصوابی یعنی تعیین صلاحیت کاندیدها توسط شورای نگهبان، نقدی به پدیده انتخابات رژیم اسلامی دارد؟

شراره رضائی: شیرین عبادی از اینکه در ایران انتخابات دو مرحله ای شده و اینکه چرا صلاحیت ها رو ابتدا باید شورای نگهبان تایید کند، نقد دارد و همینطور به اینکه چرا سال 88، از 300 نفر کاندیدها، تنها 4 نفر تایید شدند.

شاید از هرکسی در مورد انتخابات نظرسنجی شود، همه متفق القول موافق انتخابات آزاد هستند، ولی

کارگر یا برابری زن و مرد نیست. خواست او تامین آزادی و برابری در جامعه نیست. و طبیعی است این توقع را نباید هم از او داشت. او روشنفکر ناراضی بخشی از بورژوازی ست که از قدرت بیرون افتاده است.

انتخابات آزاد در رژیمی که هر روز کارگش برای حداقل دستمزدش و برای حق تشکل های کارگری به زندان میرود و شکنجه میشود. زنان و دختران جوانی که برای حجابشان و به جرم زن بودنشون تحقیر و توهین میشوند و آپارتاید جنسی بیداد میکند و طبق قوانین تصویب شده اسلامی زن جنس دوم است. در چنین نظام اسلامی ضدزنی، دم زدن از انتخابات آزاد بیشتر یک جوک و گول زدن مردم است .

رهایی زن: بنظر میرسد که خانم عبادی به قانون اساسی حکومت اسلامی ایران معتقد و وفادار است و نمیخواهد پا را از آن فراتر بگذارد، آیا شما هم چنین استنباطی را از اظهارات و عملکرد ایشان دارید؟

شراره رضائی: به نظرم این چیز عجیب و غریبی نیست، خانم عبادی مثل تمامی اصلاح طلبان و جنبش سبزی ها نه هرگز بحثش سرنگونی جمهوری اسلامی بوده و نه تنها به قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه به زن مسلمان بودنش هم بسیار پایبند و وفادار است!

در بحث انتخابات هم کاملا مشخص است که به نظر ایشان مثلا اگر رهبر اجازه میداد که خاتمی به میدان بیاید یا در سال 88 موسوی یا کروبی رئیس جمهور می شدند دیگر رژیم جمهوری

اسلامی با تمام قوانین سرکوبگرش، مورد تایید بود. فقط تفاوت و چانه زنی اینها در جایجا کردن مهره های بازی شطرنج برای کسب امتیازاتی است نه چیز دیگر، از مدیای غرب گرفته تا روشنفکران و طبقه ی بورژوازی داخل و خارج هرگز بحثی نه از انقلاب داشتن و نه از تغییر رژیم و نه سرنگونی، تنها نگرانی شان این است که کسی بعنوان رئیس جمهوری روی کار بیاید که ارتباطات ایران را با کشورهای اروپایی و امریکا بهتر و حسنه تر کند و آبروی برای ایران بخرد و آنرا از انزوای جهانی در بیاورد.

رهایی زن: بنظر شما خانم عبادی صرف نظر از فعالیتهاى مثبت حقوق بشری که داشته اند، از نظر سیاسی کدام اقشار جامعه را نمایندگی میکنند؟

شراره رضائی: اولاً خانم عبادی در ایران از نفوذ اجتماعی خاصی، در میان مردم و جامعه ی ایران برخوردار نیست. ایشان فقط با حمایت کشورهای غربی و آمریکا و عامل فشاری بر جمهوری اسلامی بعنوان کسی که جایزه صلح نوبل را دریافت کرده و با در اختیار قرار داشتن مدیاهای غرب، تنها نظرات اقشاری از بورژوازی جامعه را منعکس میکند و حتی در جایگاه فعال حقوق بشر، مهم تر از هرچیز اعتراض به حصر خانگی موسوی و کروبی را وظیفه و الویت اصلی هرروزه ی خودش میداند.

سازمان گزارشگران بدون مرز، ایران را در سال 2012 بعنوان دشمن اینترنت نام برده در حالی که از بدو حاکمیت رژیم

جمهوری اسلامی هزاران نفر در زندان ها اعدام شدند و هزاران نفر بی نام و نشان در زندان ها هر روز شکنجه و اعدام میشوند و هزاران کارگر بخاطر سیل اخراج ها، زنان و کودکانشان در فقر و گرسنگی مطلق بسر میبرند. باید گفت رژیم ایران تنها دشمن خبرنگاران نیست بلکه دشمن بشریت و انسانیت است و هر صدای معترض و آزادی خواهی را، سانسور و خفه میکند و مناسفانه خانم عبادی بعنوان فعال حقوق بشر، تنها سخنگوی بخشی از بورژوازی و یک روشنفکر بورژوا است.

رهایی زن: با توجه به فلاکت اقتصادی، سرکوب سیاسی و اجتماعی که تمام جناحهای رژیم اسلامی به مردم تحمیل کرده اند، انتظار برگزاری انتخابات آزاد از این رژیم، توهم پراکنی نخواهد بود!

شهره رضائی: وقتی حرف از انتخابات آزاد میزنیم، انتخاب آزاد یعنی تمامی احزاب و تشکل ها و سازمان ها و شخصیت ها و نمایندگان واقعی کارگران و زنان، بتوانند آزادانه در رقابت انتخاباتی حضور داشته باشند و پلاتفرم ها و برنامه های کاریشون رو بتوانند ارائه بدهند و آزادانه صحبت کنند و انوقت میتوان ادعا کرد که مردم انتخاب واقعی خودشون رو نه از سر ترس از اخراجی از محل کار و یا عدم استخدام و تهدیدهای دولتی در انتخابات شرکت میکنند یا نمی کنند.

اونوقت باید دید که آیا باز هم مردم به امثال کسانی مثل رفسنجانی و خاتمی و اطلاع طلبان رای خواهند داد یا نه؟ آیا مردمی که از فقر و فشار سرکوب و خفقان، جانیشان به لب رسیده در این صورت، فقط به اصلاحات راضی خواهند بود؟ و آیا برای نجاتشان باز هم بدنال کسانی مثل موسوی و خاتمی و کروبی میروند یا نه؟ که من بعید میدانم.

تصور کنید که طبقه کارگر نمایندگان واقعی اش را با پلاتفرمی در حد برنامه حد اقل "یک دنیای بهتر" به میدان بیاورند و امکان تبلیغ و قانع کردن مردم را داشته باشد، زنان بتوانند مطالبات و خواسته های خودشان را بعنوان یک انسان آزاد و برابر مطرح کنند، انوقت می بینیم که جامعه به سمت دیگری می رود. طبیعتا این را نمیتوان از رژیم اسلامی انتظار داشت.

بنابراین، این انتخابات نه میدان مانور طبقه کارگر و نمایندگان آنها و نه میدان مانور زنان برابری طلب است. حتی بر خلاف توهم خانم عبادی رژیم نگذاشته میدان مانور سمبل آزادی او یعنی خاتمی هم باشد.

شیرین عبادی ها تا ابد سخنگوی ناراضی بخشی از بورژوازی باقی خواهند ماند. و طبقه کارگر و سخنگویان واقعی یشان و زنان و جوانانی که خواهان رفاه و شادی و آزادی و خوشبختی هستند باید راه دیگری را انتخاب کنند.

بورژوازی هر کسی را سر کار می آورد در مقابل جامعه مسوول است و باید به خواسته های مردم جواب بدهد و گرنه باید چنین رژیمی را به زیر کشید و سرنگون کرد.

رهایی زن: ثریا شهبابی با سپاس از اینکه نظراتان را با بینندگان در میان گذاردید.

یک نظر سنجی کوتاه درباره انتخابات رژیم اسلامی

گوتنبرگ سوئد



شاهین کاظمی: همانطوری که میدانید زمان زیادی تا انتخابات ریاست جمهوری در ایران نمانده وما تصمیم داریم امروز با تنی چند از فعالین وپناهندگان سیاسی برای پخش در تلویزیون رهایی زن مصاحبه انجام دهیم؛ انتخاباتی که هیچ کدام ازموارد اصولی یک انتخابات سالم در آن دیده نمیشود و بیشتر به انتصابات شبیه است؛ وحکومت دیکتاتور ایران بدون توجه به نظر و رای مردم شخص مورد نظر را چه بسا از همین الان انتخاب و منسوب کرده است؛ در همین رابطه پای صحبت و حرف دل ایرانیان می نشینیم.

زهرة: از تمام هموطنان عزیزم عاجزانه تقاضا دارم که در انتخابات شرکت نکنند.در انتخاباتی که میدانند دروغین بوده و رایشان هیچ تاثیری در نتیجه ان ندارد.نظام ضد حقوق بشر و ظالم جمهوری اسلامی فقط حضور مردم را برای نشان دادن چهره حق طلبانه اش در مقابل جامعه بین الملل میخواهد که بگوید مردم از ما راضی هستند و حامی ما هستند درحالیکه مردم هیچ رضایتی از جمهوری اسلامی ندارند و حضور یک عده از جمله دانش آموزان و دانشجویان و پرسنل برخی از اداره ها به اجبار است. پس باز هم از شما هموطنانم میخواهم که به خود و سایر هموطنانتان خیانت نکنید و در انتخابات شرکت نکنید.

علیرضا بیداریان: انتخابات ایران انتخابات بسته بوده از بدو ورود تا اکنون حکومت فاشیستسی و حکومت مافیاییه هرکسوکو خودشون میخواهند انتخاب میکنند.انتخاب انتخاب مردم نیست انتخاب خود دولته خود رژیم و منتخب هایی که خودشون انتخاب میکنندومردم هیچگونه نقشی در انتخابات نداشته وندارند.

شیرین شکرزاده: من شیرین شکرزاده فعال سیاسی، عضو سازمان رهایی زن، عضو انجمن پناهندگان ایرانی هستم.

انتخاباتی که هیچ کدام از موازین اصولی یک انتخابات سالم در آن دیده نمی شود،، انتخاباتی که نظر مردم هیچ نقشی ندارد، رهبر تعیین می کند و مردم باید لایک بزنند، پس این چنین هست که می توان گفت مضحکه انتصابات است، نصب شده است.

جمهوری اسلامی فاشیستی و دیکتاتوری به حکومت فرمایشی بود، و دستاورد آن، بعد از ۳۴ سال، این نوع زن ستیزی، کودکان کاروبان، فقر و فحشا، فروش اعضای بدن بخاطر فقر، رژیم زده آپارتاید جنسی، پس در اینجا به تمامی هم وطنانم در داخل ایران میخوام نه به این مضحکه انتصابات، بکن، انتخاباتی که هیچ کدام از موازین اصولی در آن وجود ندارد ما زمانی رای میدهم که رژیم فاشیستی و دیکتاتوری را از بین ببریم، با در پایه دموکراسی و زادی مطلق با انتخاب و نظره مردم، فقط رای میدهم، به امید پیروزی.

مریم: نظام فاشیستی جمهوری اسلامی باید نبود شود انتخابات برای چنین نظامی هیچ معنا و مفهومی ندارد، مردم ایران اگر ازادی ایران را میخواهند نباید به پای صندوق های رای بروند، تنها راه رهایی مردم ایران از این نظام فاسد همین است و بس.

شهریار کاشانی: تجمع امروز بر علیه جمهوری اسلامی است. روی سخنم به جوانان ایران است که در انتخابات ۹۲ که نزدیک می شویم بگویم که آقای خامنه ای همان شخص است و اینکه انتخابات سالم زمانی است که در آن حق اپوزسیون اعمال شود این انتخابات تأثیری بیش نیست زیرا نظام مشروعیت خود را از دست داده هدف جمهوری اسلامی از اجرای این انتخابات نشان دادن مشروعیت خود به دنیاست در صورتی که نظام مشریتی ندارد و قریب به نود در صد مردم نظام را نه میخواهند نه تحمل میکنند.

و ایجاد محدودیت های مختلفی در رابطه با زنان بوده ایم. رژیم هرگاه که به رای زنان و مشارکتشان احتیاج داشته باشد به حقوق زنان و نقش والایشان اشاره می کند. هرگاه به این پتانسیل نیاز داشته باشد در راستای منافع خود از بکارگیری هیچ روشی جهت ترغیب آنها برای مشارکت در انتخابات دریغ نمی ورزد. گسترش سیاست بسیج بین زنان به طوری سیستماتیک در راستای فروپاشی و نابودی پتانسیل آزادی خواه و تحول خواه آنها صورت می گیرد. رد صلاحیت نمودن زنان در تمام عرصه های اجتماعی و به ویژه سیاسی، به بهانه های خاموش نمودن و خانه نشین کردنشان انجام می پذیرد. بدون شک از رژیمی که ذهنیت مردسالار و جنسیت گرای خود را پشت سر نگذارد، انتظاری نمی توان داشت که حقوق زنان را در نظر گیرد. چون که ذات رژیم موجود، با مفهوم آزادی و دموکراسی مغایرت دارد. لیکن زنان بایستی بر این واقعیت واقف باشند تا وقتی که با نگرشی سازماندهی شده، مدعی و متحد به میدان مبارزه گام نهند، دموکراتیزه نمودن و آزاد نمودن ایران، خیالی بیش نخواهد بود. این در حالی است که ایران آبستن انقلابی است که زنان پیشاهنگی آنرا بدوش خواهند کشید. حضور زنان

خاورمیانه از سوی قدرت های حاکم جهانی نمی باشد، بر بحرانی تر شدن وضعیت موجود ایران افزوده است. افزایش فشار تحریم های سیاسی و اقتصادی و عدم انتخاب راه حلی دموکراتیک در داخل، روز به روز بر مشکلات جامعه دامن می زند. از این نقطه نظر، نادیده و ناشنیده گرفتن خواسته و طلب خلق های ایرانی بیش از پیش چهره ی نادموکراتیک رژیم را برای جوامع داخلی و خارجی نمایان ساخته است. چنان که رشد روزافزون تورم اقتصادی، مفاسد مالی سران رژیم، افزایش بیکاری، فقر، میتلایان به مواد مخدر، فحشا، فرار دختران، خودکشی، اعدام، تجاوز، دستگیری و شکنجه به بهانه های واهی، اعمال فشار هرچه بیشتر بر زنان و جوانان و...، چهره ی واقعی و نتیجه ی عملکردهای قدرت حاکم را به خوبی نمایان ساخته است. چهره ی نظام، تحت حاکمیت هر جناح و طیفی که باشد بر عموم مردم ایران عریان و عیان است. چنان که فقدان دموکراسی و اخلاق اجتماعی رفته رفته رژیم را بی اعتبارتر می سازد. در طول 34 سال حکومت اسلامی ایران شاهد فشار

تونس و لیبی و مصر حضور زنان پر رنگ و تأثیر گذار بود، اگر به انقلاب ایران در سال 1979 نگاهی بیدازیم زنان یکی از تأثیرگذارترین نیروی اجتماعی بود که توانست نیروی خود را در خبایانهای ایران به نمایش بگذارد. حضور زنان در تمامی دوران تاریخ یکی از بزرگترین جنبشهای اجتماعی و سیاسی جوامع دنیا بوده و هست و زنان ایران نیز دارای پتانسیل عظیم تغییر خواه و برابری طلب و دارای نیروی عظیم آزادی خواهی است.



زنان و انتخابات

شهلا و کیلی تجربه

"همانطور که می دانیم، یکی از بازیگران دائمی انقلابها «زنان» هستند. با دقت در تاریخ انقلاب های در کشورهای چون چکسلواکی (1989)، صربستان (دو مرحله ی 1997 و 2000)، گرجستان (2003)، اوکراین (2004) و قرقیزستان (2005) به صحت این موضوع دست خواهیم یافت. حتی در برخی از این کشورها، زنان نقش رهبری انقلابها را نیز ایفا کرده اند. چنان که رهبری انقلاب در اوکراین در کنار «ویکتور یوشچنکو»، بر عهده ی «یولیا تیموشنکو» نهاده شده بود و همچنین در در کشورهای شمال آفریقا

پشت و پتیرین مجلس نه تنها چهره‌ی زن‌ستیز نظام را دموکراتیک جلوه نمی‌دهد بلکه عمق ازخودبیگانگی و بی‌هویتی را هویدا می‌سازد. زیرا از اوایل انقلاب تا کنون شرکت زنان در امور کشوری، نه تنها مرهمی بر زخم زنان نگذاشت بلکه مسائل و مشکلات آنها را نیز بیشتر نمود. گسترش سازمان‌های بسیج و شرکت زنان در این نهادها دلیلی بر این ادعاست. چنانکه زنان باتوم به دست با تقلید از ذهنیت و روش‌های مردانه، وارد میدان شده و جهت رقابت با مردان به سرکوب زنان آزادی‌خواه پرداختند. همه‌ی اینها و بیش از این نیز، نشان‌دهنده‌ی چهره‌ی واقعی و حقوقی نظام حاکم اسلامی و عمق نابرابری و بردگی را بیان می‌کند. نظام همیشه با دادن وعده وعیدهایی که هرگز عملی نشدند به فریفتن زنان و خلق ایرانی پرداخته است. بنابراین فکر نمی‌کنم که زنان با حضور پیدا کردن در پای صندوق‌های رأی نیز بتوانند به خواسته و طلب‌های خود جامه‌ی عمل بپوشانند. تبعیض‌های جنسیتی و نژادی، دینی و مذهبی چهره‌ی نادموکراتیک نظام را برای زنان نمایان ساخته است. انتخابات فرمایشی امسال نیز در حالی برگزار می‌شود که نامزدهای بسیاری رد صلاحیت شده‌اند. بین رد صلاحیت شده‌ها نام چند تن از نامزدهای زن نیز به چشم می‌خورد.

حضور زنان پشت و پتیرین مجلس نه تنها چهره‌ی زن‌ستیز نظام را دموکراتیک جلوه نمی‌دهد بلکه عمق ازخودبیگانگی و بی‌هویتی را هویدا می‌سازد. زیرا از اوایل انقلاب تا کنون شرکت زنان در امور کشوری، نه تنها مرهمی بر زخم زنان نگذاشت بلکه مسائل و مشکلات آنها را نیز بیشتر نمود. گسترش سازمان‌های بسیج و شرکت زنان در این نهادها دلیلی بر این ادعاست. چنانکه زنان باتوم به دست با تقلید از ذهنیت و روش‌های مردانه، وارد میدان شده و جهت رقابت با مردان به سرکوب زنان آزادی‌خواه پرداختند. همه‌ی اینها و بیش از این نیز، نشان‌دهنده‌ی چهره‌ی واقعی و حقوقی نظام حاکم اسلامی و عمق نابرابری و بردگی را بیان می‌کند. نظام همیشه با دادن وعده وعیدهایی که هرگز عملی نشدند به فریفتن زنان و خلق ایرانی پرداخته است. بنابراین فکر نمی‌کنم که زنان با حضور پیدا کردن در پای صندوق‌های رأی نیز بتوانند به خواسته و طلب‌های خود جامه‌ی عمل بپوشانند. تبعیض‌های جنسیتی و نژادی، دینی و مذهبی چهره‌ی نادموکراتیک نظام را برای زنان نمایان ساخته است. انتخابات فرمایشی امسال نیز در حالی برگزار می‌شود که نامزدهای بسیاری رد صلاحیت شده‌اند. بین رد صلاحیت شده‌ها نام چند تن از نامزدهای زن نیز به چشم می‌خورد.



کدام انتخابات!

سپروان فتاحی

رهائی زن: شما مدتی است در نروژ زندگی میکنید، تفاوت عمده ای که در رابطه با انتخابات بین ایران و نروژ است را چگونه توضیح میدهید؟

سپروان فتاحی: در کشور نروژ دستگاهی به نام شورای نگهبانی برای تشخیص صلاحیت کاندیداها وجود ندارند. یا اینکه بهتر بگویم لازم نیست دو یا سه حزب عمده طبقه حاکمه به نوبت انتخابات را می‌برند و برای یک دوره از رای مردم برای خود مشروعیت میگیرند. تفاوت اینجاست که اینجا مردم در نروژ احساس میکنند اجازه رای دارند و مردم در ایران چنین احساسی ندارند. مسائل مربوط به انتخابات در نروژ پیچیده تره و من ترجیح میدم در مورد انتخابات در ایران نکته ای بگم

رهائی زن: بنظر شما نسل جوان از این انتخابات چیزی نصیبش میشود؟
سپروان فتاحی: من فکر نمی‌کنم در جریان این انتخابات مردم حق انتخاب دارند. اولاً اگر مردم چنین حقی داشتند، از سال‌ها قبل رای به رفتن جمهوری اسلامی میدادند. در ثانی از میان کاندیداها، مردم فقط مجازند از میان کسانی انتخاب کنند که مورد اعتماد شورای نگهبان اند. با این حساب چرا این انتخابات است؟ مردم در اصل کسی را انتخاب میکنند که از قبل توسط شورای نگهبان انتخاب شده است. ثالثاً گیرم شورای نگهبان مانع کاندید شدن کسی نباشد. فرض کنیم 70 میلیون ایرانی هم کاندید شده‌اند تا رئیس جمهور شوند. مگر نه این است که رئیس جمهور منتخب باید طبق قانون اساسی همین رژیم کار کند؟ در چنین صورتی چگونه میشود با همین رژیم و همین قانون بشود تغییرات اساسی ایجاد کرد؟

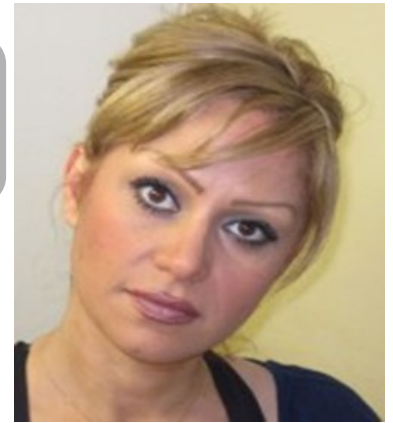
حتی فرض بگیریم ولایت فقیه هم انتخابی باشد. مگر نه این است که باید از میان فقها باید کسی را انتخاب کرد تا ولی فقیه نظام بشود و کماکان مردم نقش گوسفند ولی فقیه را بازی کنند؟ من میگویم گیرم تمام موقعیت‌های مهم در این نظام انتخابی بشوند. مثلاً گیرم شکنجه‌گران انتخابی شوند، روسای نیروهای لباس شخصی و پاسدار و نیروی انتظامی و اطلاعات و غیره همه انتخابی شوند. مگر همه اینها قرار نیست روسای همین نظام و مامور همین کارها باشند که میکنند؟

شما آلمان دوران هیتلر را در نظر بگیرید و بحث انتخابات کاملاً آزاد در سیستم فاشیستی را طرح و عملی کنید. تا زمانی که آن سیستم فاشیستی است، شخصیت متفاوت مقامات مهم نیست، چون این ماهیت سیستم فاشیستی را تغییر نمیدند. شاید فاشیست‌های نرم و لطیف تری سر کار بیایند که یهودی‌ها را به جای هزار هزار سوزاندن در کوره آدم سوزی یکی یکی و با چاقوی تمیزی سر ببرند. اینهم شد تغییر؟ در رژیم فعلی ایران ایراد به شیوه و سبک انتخابات نیست. ایراد رئیس جمهور و حتی ولایت فقیه نیست. ایراد وجود شکنجه‌گر و وزارت اطلاعات نیست. ایراد سیستمی است به نام حکومت جمهوری اسلامی که این سیستم از پایه ضد بشری و بدردنخور است، از پایه ضد آدم است، ضد زن است و سال به سال زندگی را جهنمی تر کرده است. این سیستم باید از ریشه جارو شود. وقتی جارو شد، تازه فرصت میرسد مردم تعیین کنند چه نوع حکومتی و سیستمی لازم دارند و مقامات چه کسانی باید باشند و از میان چه کسانی انتخاب شوند. انتخابات فقط

رهائی زن: بنظر شما نسل جوان از این انتخابات چیزی نصیبش میشود؟
سپروان فتاحی: خیر، جوانان از این انتخابات فرمایشی چیزی نصیبشان نمی‌شود، و به عنوان یک ایرانی به مردم پیشنهاد میکنم که پایه صندوق‌های رای نروند

نمایش تکراری مضحکه انتخابات نه به انتصابات نمایشی... نه به جمهوری اسلامی

شیرین شکرزاده



تکرارنمایش!! ، انتخابات مجلس نهم جمهوری اسلامی ، جمعه ۱۲ اسفند در یک فضای مطلق سانسور و تهدید برگزار شد. تکرار، تکرار، تکرار ... اینبار هم خامنه ای با تمام قوا وارد میدان شد که از رای مردم علیه مردم استفاده کند. ولی با همان حربه و سناریوی همیشگی.

روزهای قبل از انتخابات صدا و سیما حکومت با به راه انداختن هیاهوی شدید و نمایشی مسخره از رقابت بین گروههای به اصطلاح سیاسی کشور، تمام تلاش خود را بکار بردند تا مردم را به پای صندوق های رای بکشاند. ولی خودشان هم از همان ابتدا می دانستند دیگر مردم کوچکترین توهمی نسبت به انتخابات ندارند و انتصابات بودن آنها با تمام گوشت

و پوست خود لمس کرده اند. انتخابات امسال اولین انتخابات بعد از مضحکه ریاست جمهوری سال ۸۸ بود، از این رو خامنه ای با توجه به جنایات و سرکوب انقلاب مردم در آن سال برای مشروعیت خود نیاز مبرم به یک نمایش دیگر داشت تا شاید بتواند خاطرات مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری را از اذهان دور و در نتیجه کمی برای نظام خود آرامش کسب کند. ولی مشکل خامنه ای فقط به پای صندوق رای کشاندن مردم نبود، او که در حال پاکسازی درونی حکومت خود است در حال گذر از پرتنش ترین دوران حکومت است. درگیری بین گروههای مختلف جمهوری اسلامی به بالاترین نقطه خود در طول این ۳۳ سال رسیده است. در این راه هر گروه برای اینکه خود را حفظ کند شروع به اعلام مفاسد گروههای دیگر کرده و این مبارزه هر روز وسعت فساد مالی و جنایات جمهوری اسلامی را توسط خودشان بیشتر و بیشتر بر مردم عیان کرد فساد که هیچ گروه یا فرد حکومتی از آن مستثنا نبوده اند. حال این فضا می توانست وقایعی مشابه سال ۸۸ را ایجاد کند و دوباره مردم معترض را به خیابانها بکشد و اگر اتفاق مبارزات خیابانی مردم دوباره تکرار شود. حکومت با تمام خشونتش و ابزار سرکوبش قادر نخواهد بود مردم را به خانه ها بگرداند . این بزرگترین هراس خامنه ای بوده و هست. فضای بالای امنیتی در هر مناسبت، مهر تأییدی است بر این گفته، تقریباً "شهرها ومراکز مثل دانشگاه تبدیل به یک پادگان شده است. موج دستگیری روزنامه نگاران ، دانشجویان ، کارگران و فعالین سیاسی و اجتماعی همه در راستای جلوگیری از حضور دوباره مردم در خیابانها است.

سیاست جنگی طلبی حکومت و قرار دادن مردم ایران در خطر حمله نظامی کشور های غربی و اسرائیل از دیگر خطر هائی بود که در این دوره به حساسیت این نمایش اضافه می کرد. هر چند که خامنه ای سعی کرد از این خطر بعنوان یک ابزار تبلیغاتی برای کشاندن مردم به پای صندوق ها استفاده کند ولی وجود این خطر کاملاً واقعی است. جمهوری اسلامی وارد بازی خطر ناکی شده است که اگر به واقعیت بپیوند تاوان آنها مردم خواهند داد. دلیل دیگر خامنه ای برای نشان دادن اینکه هنوز در نزد مردم ایران مشروعیت دارد، وجود همین خطر است لذا تمام ابزار را بکار گرفت تا بتواند حضور مردم را پرشور نشان دهد و در این راه به هیچ خبرنگاری اجازه فیلم برداری آزادانه نداد تمامی اخبار و تصاویر گزینش شده و تنها از حوزه هائی بود که حکومت نیرو هایش را در آنجا متمرکز کرده بود. ولی تصویر واقعی از شرکت مردم چیزی جز تحریم انتخابات از طرف مردم نبود . تحریمی که دیگر نخواهد شکست . مبارزات مردم دیگر از این مرحله گذشته است و بهیچ عنوان خامنه ای و دیگر سردمداران رژیم توان ایجاد توهم برای مردم نخواهند داشت و فصل آخر جمهوری اسلامی به پایان خود نزدیک است.

در سرزمینی به دنیا آمده ایم که از نخستین روز تولدمان باید توبه می کردیم، چرا که بالقوه گناهکار بودیم و بالفعل معصیت کار!

در کشوری که اصول و فروعشان چنان به تنگنای سینه آدمی فشار می آورد که خوشبختی و آزادی بشری از حدقه چشمانمان به بیرون می زد . رهبرانمان هم از روی زیارت نامه ها و لعن نامه هایشان قانونها و تبصره ها نوشتند و ما خوب اجرا کردیم. و از آنجا که زود هم عادت می کنیم، خیلی سریع یک فرم جامعه شناسی جدید به تمامی فرمهای جوامع بشری افزودیم.

و با خوشبینی کامل یک اسلام میکاپ شده، دموکراسی اصلاح شده، حقوق بشر با چاشنی قتل و سنگسار و قصاص به جهان توصیه کردیم، چنان که جامعه شناسان از قدرت همسان سازی ما انگشتان حیرت خود را درسته بلعیدند.

و حال هم عدد هشتت برایمان مقدس شده است، باید اعتراف کنیم اگر تاریخ هشتاد هزار ساله هم داشته باشیم، در میان راه آمار هشتاد میلیونی مان، به هشتت قدیس رسیدیم. هشتت نفر منجی خواب آلوده، خمیده ی، خنگ و پر ادعا.

تازه خودمان هم باورمان شده که حق داشتن خوبها را نداریم و میان انتخاب های بد و بدتری یک نفرشان می شود گزینه ایده ال .

که تا دوباره ۴ سال که نه، ۸ سال دیگر کش بدهند قضیه ای را که از اول اشتباه شروع شده بود، این ۸ سال و با ۸ سال قبل و آن ۲۶ سال، روی هم می شود ۴۲ سال! عمر من که تمام می شود، شما را نمی دانم؟.

و همیشه در توهم برنامه های ریاست جمهوری چنان اختیار از دست داده ایم که چون مستی از هوش رفته، جیب هایمان را خالی کردند و بر کفش و لباس هایمان هم رحمی نمی شود



گزینه خوشبختی میان

بد و بدتر

مزان حاصلی

و صبح که خماری است و سردرد، تازه رنج لختی را هم باید بکشیم. چرا که اگر دانشجوی دکترای حقوق بین الملل هم باشیم، بعد از سی و چند سال قانون اعدام و تجاوز و سنگسار با زهر شب به تماشای این سیرک مناظراتی می‌نشینیم و با طنزهای مضحک مجری برنامه ریسه رفته و با امید به فردای بهتر به خوابی عمیق می‌رویم.

کاش باور داشتیم که پایه‌های این صندلی افرشته و گستاخ استبداد، فرو رفته در مغزهای ماست! و اینکه امید داریم از عمق ناپاکی و رخوت، بتوان به تعریف جدیدی از آزادی رسید!

برایمان سخت است، باور کنیم که آزادی نیازی به تعریف من و ما ندارد، بلکه صدها سال است که تعریفش را با خودش، ساده و بی‌آلایش حمل می‌کند و نیازی به بندها و زنجیرهای ما برای توصیف و تفسیرش نیست.

آزادی نیاز به تفسیر ندارد، بلکه نیازمند شعور و جنبه و درک است. نیاز به یک آمادگی از درون دارد. باید راحت بود، گرسنه نبود، صراحت داشت، نترسید و برای زندگی دیگران نسخه‌های سخت و پیچیده رستگاری ننوشت.

برای ما که فراموش کرده ایم می‌توان بدون حس گناه شاد بود، می‌توانیم ارزنی و وفور و آرامش را بو بکشیم؛ حق انسانی ماست که فصل‌ها را آزادانه احساس کنیم و در بهارو زمستان بدون فیلتر و ارشاد جوانی کنیم.

از همین لحظه می‌توان شروع کرد که دیگر آنچه را که به ذات بد است، بد بشماریم و تن به تبصره‌های شاید و اما و اگر ندهیم، و آنچه که درست است را بپذیریم و حق را ستایش کنیم.

بدانیم زندگی و سرنوشت یک ملت محل آزمون و خطای تئوری‌های سوخته اسلامی نیست.

اگر اینان بدسروشت بودند و بد سرنوشتی را برایمان ساختند، دیگر فریب خرید فرصت‌های دوباره‌شان را نخوریم و با رویاهای بی‌اصول تن به عمیق شدن ریشه‌هایشان نخشیم، یا لاقط پیش از هر مهر تأییدی بر شناسنامه‌هایمان برای بقایشان، نیم‌نگاهی به چشمان معصوم کودکانمان بیندازیم که حتماً به همین زودی‌ها از ما خواهند پرسید چرا؟؟؟

شیرین شکرزاده:

گزارش از کمپین یک ماهه در دفاع از حقوق پناهندگی در مرکز شهر گوتنبرگ - سوئد (همراه فیلم و عکس)

پناهندگان و پناهجویان منتظر جواب و پناهندگان مخفی برای پیش برد موثر مبارزه برای حق پناهندگی متحد و متشکل شده و در کمپین جنبش پناهندگی در مرکز شهر «میدان برنز پارکن» گوتنبرگ با بنا کردن چادر و میز اطلاعاتی از روز ۶ ششم ماه می آغاز شد و تا روز ۶ ششم ماه ژوئن از ساعت ۱۲ ظهر تا ۱۹ عصر ادامه می‌یابد.

افشای رژیم جمهوری اسلامی؛ علیه مضحکه «انتخابات»؛ علیه طرح «ره‌وا» و علیه راسیسم و در دفاع از حقوق پناهندگی از جمله مفاد دایمی موضوع اوراق تبلیغی خواهد بود. تظاهرات سراسری در سوئد که در روز ۶ ششم ماه ژوئن را بطور مشخص از ابتدا مد نظر داریم. علیه سیاست‌های دولت سوئد و علیه پروژه «ره‌وا» و اخراج پناهجویان تظاهرات بزرگی در سراسر سوئد برگزار می‌شود. به این اعتراض بپیوندید. یکبار دیگر از همه سازمانها؛ جریانها؛ نهادها؛ عرصه پناهندگی می‌خواهیم به شبکه جنبش پناهندگی بپیوندند. پیروزی ما به تلاش مشترک ما گره خورده است. جنبش دفاع از حقوق پناهندگی را در گوتنبرگ (سوئد) حمایت و پشتیبانی کنید.

فرار مردم ایران از جهنم رژیم اسلامی یک تلاش بر حق انسانی برای برخورداری از حداقل زندگی شایسته انسانی است. این فراریان باید مورد حمایت قرار بگیرند. اعتراض ما به جمهوری اسلامی مسبب اصلی این فجایع و فرار شهروندان است. اعتراض ما به دولت‌های غربی و دولت سوئد برای ممانعت با این هیولای رژیم اسلامی است. اعتراض ما به قوانین ضد پناهندگی برای بستن درب امید بر روی مردمی است که حقانیت فرار آنها و صلاحیت آشکارشان برای پناهندگی آنکار می‌گردد. اعتراض ما به قوانین ضد پناهندگی و برای اعطای حق پناهندگی عمومی برای همه پناهجویان است.

اوضاع وخیم و عدم امنیت جانی؛ خطر استرداد و بلاتکلیفی و گوشه‌هایی از زندگی فلاکت‌باری است که به پناهندگان و پناهجویان تحمیل شده است. پناهجویان راهی بجز مبارزه متشکل ندارند. فقط اتحاد عمل مبارزاتی ما و مبارزه متشکل می‌تواند از اعمال این سیاستها؛ جلوگیری کرده و در تحقق مطالباتمان مثمر ثمر باشد.

تا امروز این کمپین اعتراضی و حرکت جنبش پناهندگی مورد توجه و استقبال رسانه‌ها و مورد حمایت و پشتیبانی مردم قرار گرفته است. و انعکاس و بازتاب وسیع و گسترده‌ای در افکار عمومی داشته است. از جمله رادیوهای محلی شهر گوتنبرگ؛ رادیو بین المللی پژواک فارسی سوئد؛ رادیو اسرائیل؛ تلویزیون حزب کمونیست ایران (کومه‌له) و چندین رسانه دیگر. تشریح وضعیت پناهندگی و وضعیت حقوق پیمان شده مردم در حاکمیت جمهوری اسلامی از مباحث گرم در جوار این کمپین است.

مردم آزادیخواه و انسان دوست!

در دفاع از حقوق بر حق همه پناهجویان و پناهندگان به کمپین جنبش پناهندگی در سوئد بپیوندید!

لینک فیلم

https://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=g4UAu7zAaeo

لینک عکس

<https://www.facebook.com/media/set/?set=a.241769602628314.1073741827.171640972974511&type=1>

لینک گزارش رادیوی بین المللی فارسی پژواک سوئد: کمپین دیگر برای در خواست امنستی و اعتراض به پروژه «ره‌وا» و «اعتراض به اخراج اجباری پناهجویان

<http://sverigesradio.se/sida/artikel.aspx?programid=2493&artikel=5533685>

لینک انعکاس و بازتاب در رادیو اسرائیل:

<http://www.youtube.com/watch?v=P3FQZSw-FMo>

ولی بالاخره آنها را به نفع این یا آن یکی جناح در قدرت که بر سر قدرت و ثروت در جنگ با یکدیگرند، بکار بردند. صحبت از حقوق زنان و کارگران و اینکه گویا قرار است فشار را کم کنند، کمپین های تبلیغاتی است برای داغ نگاه داشتن بازار انتخابات. و هر فعال حقوق زنانی باید این را افشا کند. و اجازه ندهد که آنها از این تنفری که از فشار یا بی حقوقی زنان وجود دارد، بهره برداری تبلیغاتی کنند. آقای رفسنجانی یکی از سردمداران و تا مغز استخوان مرتجعترین مهره های جمهوری اسلامی است همین طور که آقای موسوی و خانوم رهنورد بودند.

رهایی زن: سوال آخر اینکه وقتی زنان از حق انتخاب پوشش، از حق انتخاب همسر بدو اجازه پدر و غیره محرومند، آیا حق انتخاب رئیس جمهور، جوکی تحقیر آمیز بیش نیست؟

ثریا شهابی: وقتی که زنان از حق انتخاب پوشش و همسر و ابتدایی ترین حقوق انسانیشان محرومند اینکه حق داشته باشند به عنوان رئیس جمهور انتخاب شوند فقط یک جوک تحقیر آمیز است. قوانین جمهوری اسلامی، که گفته که برای رئیس جمهور شدن باید رجال سیاسی و مقام مذهبی بود، این را تحمل نمی کند که رئیس جمهور زن داشته باشند.

ولی حتی اگر فرض کنیم که به فرض محال، یک رئیس جمهور زن انتخاب شود! آیا واقعا تغییری در موفقیت مردم و زنان خواهد کرد؟ کلا وقتی شما جامعه را نگاه میکنید اگر نصف مشاغل زنانه و مردانه باشد طبعاً یک جامعه کمتر مشکل داری است. اما تصور اینکه جنسیت رئیس جمهور، تعیین کند که پلاتفرم سیاسی اش چه باشد، این را تاریخا مردم دنیا بعد از تجربه خانم تاچر و گلدامایر و انواع و اقسام خانم هایی که در بالاترین مقام تصمیم گیری قرار گرفتند و کمترین گشایشی در وضیت مردم و زنان و بخش محروم جامعه و طبقه کارگر ایجاد نکردند، تجربه کرده اند. این ادعای سیاسی حساب خود را پس داده است.

زمانی در جنبش فمنیستی در جوامع غربی این مساله خیلی مطرح بود که اگر پستهای سیاسی زنانه شوند جنگ و خشونت و بی عدالتی از بین میروند! با تجربه ای که سوسیال دموکرات ها داشته اند. حتی کابینه هایی که شامل پنجاه درصد زن و پنجاه درصد مرد بود، به کمک انواع و اقسام اهرمهای مستقیم و غیره مستقیم تشکیل دادند. و مردم دیدند که چطور همان کابینه ها همان برنامه اقتصادی کابینه قبلی را که زنان سهم کمتری را در آن داشتند، را اجرا کردند. و تعرض کردند به حقوق زنان، و مادرن تنها و به تامین اجتماعی مردم.

واقعیت این است که جنسیت آدمها نیست که سمت و سوی سیاست را تعیین میکند بلکه پلاتفرمها و مطالب سیاسی است. ما خانم منیره گرجی را داشتیم که در اوایل

انقلاب در مجلس جمهوری اسلامی بودند. خواهران زینبی داریم که زن اند ولی به دختران و زنان حمله میکنند و تذکر میدهند و در زندان اوین کم نیستند زنانی که شاغلند و مقام دولتی دارند و بهتر از همتای مرد خود نیستند. طبعاً بیشترین کسانی که در صفوف احقاق حقوق زنان میجنگند زنان هستند. و بیشترین کسانی که جلو میافتند قربانیانی هستند که از بی حقوقی زنان رنج میبرند. اما پلاتفرم های سیاسی جنبش های طبقاتی، پلاتفرم های روشنی چون آزادی پوشش، آزادی معاشرت، کوتاه شدن دست مذهب از زندگی زنان، ممنوعیت دخالت در زندگی خصوصی زنان، بیمه بیکاری برای تمامی زنان و دختران آماده به کار مستقل از موقعیت همسر پدر برادر، و مطالباتی که مطالبات انسانی است و شامل همه مردم میشود، معلوم میکند که چه کسی چه کار میکند و میتواند بکند. دنبال پلاتفرمهای مطالبات معین رفتن راه چاره است. نه این که یک زن رئیس جمهور شود یا یک مرد! گیرم که فائزه رفسنجانی رئیس جمهور بشود. فکر نکنید که آش بهتری خواهد پخت از خود هاشمی رفسنجانی. به هر حال زنی انتخاب نخواهد شد. و این تقریباً یک فرض محال است. ولی حتی اگر آنها رد صلاحیت هم نشوند به عمر یک سیستم ضد زن به یک سیستم ضد انسانی ضد کارگر به نظامی که بر بی حقوقی و تحقیر و استثمار متکی است، اضافه خواهند کرد. نباید در انتخابات شرکت کرد. کاندید اگر زن باشد یا مرد سیاه یا سفید ملیتش هر چه باشد و مذهبش هر چه باشد، تعیین کننده نیست.

رهایی زن: ثریا شهابی با سپاس از اینکه نظر اتان را با بینندگان در میان گذارید.

فاطمه پرندک : فدردانی

با توجه به شرایط موجود بخصوص در ایران اسلامی که ستم و جور و نا برابری بر این جنس(زن) وارد می شود و با توجه به بیانیتهای منشور حقوق بشر بر اصل برابری زن و مردورعایت تمام و کمال حق زن در جامعه ای پویا و با توجه به نقض حقوق اولیه انسانی برای این فشر جفا دیده در ایران و به طور کلی نادیده گرفتن زن در جامعه بصورت فعال و کار آمد بر آن شدیم که با NGO های مختلف و همکاری انها بخصوص سازمان رهایی زن که طبق بند ۱ منشور جهانی حقوق بشر که بر اصل برابری از هر قوم سن، طبقه، زبان و فرهنگ، یا مذهب و عقیده و ملیت، نژاد و رنگ،... تأکید دارد و سازمان رهایی زن بر این باور بوده و در این عرصه فعال است. در این مرحله بیاید همگان با مقاومت و از خودگذشتگی و حمایت از تمام اقشار جامعه چه زن، چه مرد سطح مبارزات خود را بالا برده و در راستای آزادی کل جامعه گام بر داریم. رهایی زنان از تبعیض های موجود جامعه اولین گام دموکراسی برای مردمان هر کشوریست.

در نهایت با سپاس بسیار از سازمان رهایی زن که در این عرصه حساس قدم به میان گذاشته و باعث دلگرمی زنان ایران زمین شده آرمان داریم که در نهایت روزی فرا برسد که زحمات عزیزان سازمان به ثمر بنشیند و حقوق تساوی زن و مرد را این بار در ایران عزیزمان شاهد باشیم .

رهائی زن :

جای بسی خرسندیمست که همه روزه تعداد وسیعتری از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب به صفوف ما میپیوندند و توان جنبش رهائی زن را صد چندان میکنند. فاطمه پرندک عزیز آرزویمان مشترک است.

**نظرخواهی رادیو پیام درباره
زنان و انتخابات در ایران با
شراره رضائی**

با سلام ، من شراره رضایی از اعضاء مرکزی سازمان رهایی زن و مدیرمسئول نشریه، این سازمان که برای برابری زن و مرد و دفاع از حقوق زنان در ایران مبارزه میکند، هستم و میخواهم درباره ی "زنان و انتخابات در ایران" صحبت کنم .

چندی پیش یک مصاحبه ی تلویزیونی، خبرنگاری با یکی از کاندیداهای زن ریاست جمهوری را دیدم. خانم کاندیدا گفت هدفش آزادی است و میخواهد نیمی از کابینه ی آینده ریاست جمهوری را به زنان اختصاص دهد.

این مصاحبه کوتاه با به مسخره گرفتن تهیه کنندگان برنامه روبرو شد، تا جایی که محمد یزدی، عضو فقهای شورای نگهبان در واکنش به صحبت های این خانم گفته : "مثل معروفی هست که کسی میخواست وارد روستایی شود، راهش نمی دادند ، اما می گفت 'خانه کدخدا کجاست!'; همینطور گفت قانون اجازه رییس جمهور شدن را به خانمها نمی دهد، حالا چطور این فرد ترکیب کابینه را هم مشخص کرده است؟"

داشتم فکر میکردم که آیا همین چند لحظه تصویر و تفسیر تلویزیون جمهوری اسلامی آینه ی تمام نمای انتخابات در جمهوری اسلامی نیست؟

زن حق ندارد رئیس جمهور

شود و اگر کسی به خودش جرأت داد کاندیدا شد مورد تمسخر و تحقیر مدیا و مقامات اسلامی قرار میگردد. و باز پیش خودم گفتم آیا همین کافی نیست که زنان، نصف جمعیت و انسان های مملکت ما، انتخابات جمهوری اسلامی را تحقیر و مسخره کنند و آن را انتخابات ندانند؟ آیا همین کافی نیست که 30 - 40 میلیون زن ایرانی، برای انتخابات ارزشی قائل نشوند و در آن شرکت نکنند؟! تازه مسئله به اینجا هم ختم نمی شود، فرض کنیم که تفسیر از کلمه ی رجال برای کاندید ریاست جمهوری چیز دیگری است و رجال حکومتی بیایند و بگویند که منظورشان از رجال، شخصیت ها است و این شامل زنان هم می شود. سوال اینجا است که آیا یک زن فعال کارگری منتخب کارگران که منافع طبقه چند ده میلیونی کارگر را نمایندگی کند می تواند رییس جمهور بشود؟

تجربه سه دهه اخیر نشان داده است که این کار غیرممکن و غیر قابل تصوری در نظام و قوانین اساسی و شرعی و عرفی جمهوری اسلامی است.

در نظام و سیستمی که آپارتاید جنسی و درجه 2 بودن زن بر آن حاکم است، نظامی که زنان را از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم کرده است، کاندید شدن یک زن کارگر با وجود اینکه نماینده بخش اعظم انسان هایی است که بار سنگین چرخاندن چرخهای جامعه را بر دوش دارد، باز رویا و امری غیرممکن است. به همه این دلایل انتخاباتهای جمهوری اسلامی از جمله انتخاب ریاست جمهوری اسلامی مطلقاً به

به منافع زنان که نصف انسان های جامعه را تشکیل می دهند، ربطی ندارد. این میدان بازی زنان نیست. و ده ها میلیون زن کارگر و زحمتکش ایران حق دارند به این رجال محترم بگویند، انتخابات شما به ما ربطی ندارد. در آن شرکت نمی کنیم و امر ما نیست. هر کدام از عالیجنابان سرخ و سیاه پوش از صندوق ها بیرون کشیده و سر کار بیایند، باز بار ما 40 من است.

حالا ممکن است کسی پرسد یا بگوید که شما شرکت نکنید یا نکنید انتخابات می شود و یک رییس جمهوری انتخاب می گردد. پس شما این ده ها میلیون و صدها فعال واقعی حقوق زنان چکار می کنید؟ همینطور دست روی دست می گذارید تا این آقایان دسته دسته بیایند و قدرت را کسب کنند؟

جواب من به این سوال این است که ما کار خودمان را می کنیم. میدان بازی و مبارزه ما، در میان میلیون ها زنی است که از تبعیض و ستم و تحقیر جنسی رنج می برند.

هر کسی سر کار بیاید، طرف حساب زنان در مقابل این بی حقوقی ها است. اگر کاری باید کرد این است که زنان همراه کارگران و دیگر اقشار تحت ستم، مطالبات و مبارزات و اعتراضات اجتماعی خود را بر علیه کل این سیستم که کارگر را استثمار میکند و ستمکشی زن، سازمان دهند. و این حتماً کار سختی است، می دانم.

متأسفانه، دختران جوان و زنان، دیروز به دست خود دستنبد سبز بستند و سیاهی لشکر جنبش سبز شدند که ربطی به منافع زن، کارگر و انسان آن جامعه نداشت و امروز می بینیم که باز متأسفانه تعدادی از دختران جوان باندول رفسنجانی را بر سر و سینه و کمر خود بسته اند.

این کاری است که نباید کرد. این توهم است. توهم به رژیمی که اساسش بر تبعیض جنسی گذاشته شده است. هر کسی سر کار بیاید، طبق گفته ی همه ی کاندیداها به این نظام و قوانین التزام دارد و متعهد است. پس باید علیه کل این نظام و سیستم و انتخاباتاش بود.
19 می 2013

با ما تماس بگیرید

در پخش نشریه و معرفی برنامه های

تلویزیونی ما را یاری کنید

به سازمان رهایی زن پیوندید

Markazi@RahaiZan.org

به نهاد مادران علیه اعدام بپیوندید!

با درود فراوان خدمت مینوی عزیز

به پیوست فرم عضویت نهاد مادران علیه اعدام و قسمتی از اهداف و تعاریف آن را خدمت شما عزیزان ارسال و اعلام می نمایم .
1- این نهاد فراجنبی و در ذات خودش مستقل می باشد ، یعنی اینکه به هیچ سازمان و گروه و حزبی وابسته نبوده و نخواهد بود .

2- این نهاد با حفظ استقلالش با تمام سازمانها ، احزاب ، گروهها و اشخاص با هراپده و مرامی و با هر ایدئولوژی وارد دیالوگ مبارزه با اعدام خواهد شد .

3- هر شخصی و با هر دیدگاهی اگر مخالف اعدام به هر شکلیش باشد میتواند عضو نهاد مادران علیه اعدام شده و مشغول مبارزه برای حذف اعدام از فرهنگ و ادبیات جهانی شود .

4- این نهاد اعضا و هواداران خود را با توجه به امکاناتش در داخل و خارج از کشور و در شهرهای گوناگون سازماندهی خواهد کرد .

5- فعالیت اعضای خارج از کشور و در سراسر جهان و در صورت تمایل اعضا ، علنی و شفاف خواهد بود .

6- سازماندهی و فعالیت اعضا در درون ایران بواسطه ی شرایط خاص اختناق و سرکوب شدید توسط رژیم اسلامی ، کاملاً خاص می باشد ، بگونه ای که حفاظت از سلامتی اعضا در اولویت هر برنامه ای خواهد بود که پس از تماس و درخواست عضویت آموزش های لازم به هر عضو متقاضی ارائه خواهد شد .

7- عضویت در نهاد مادران علیه اعدام ، مانع عضویت شخص در دیگر احزاب و سازمانها و ... نمی باشد .

8- سازماندهی و حمایت اعضای خارج از کشور ، نقش تعیین کننده ای برای بالندگی و گسترش سریع و فزاینده ی اعضای درون کشور دارد .

رژیم اسلامی حاکم بر ایران با تکیه بر اعدام به حیات خودش ادامه میدهد ، اعدام چشم اسفندیار رژیم ضد بشری است . پس عضویت ، سازماندهی و حمایت از مبارزه علیه اعدام رسالتی برای مبارزان واقعی راه آزادی است .

نهاد مبارزه علیه اعدام ، نهادی است از طرف همه ی اقشار و طبقات مردمی برای نظارت دائمی (علیه اعدام) بر همه ی رژیمهای آتی که بر ایران حاکم خواهند شد . به امید رسیدن به آن روز
با سپاس - مهوش عباسوندی و بیژن فتحی

لینک تیزر فیلم دوبرادر:

<http://www.youtube.com/watch?v=7s6VRhuxzjc&feature=youtu.be>



+ Organization

[Mothers Against Execution Foundation]
[Toronto], ON
Phone: [+1 647 788 88 86]
E-Mail: [m.a.e.foundation@gmail.com]
Web: [Web Address]

Mothers Against Execution



Organization

Date:
Signature of applicant:
Signature of

تاریخ:
امضای متقاضی:
امضای تایید کننده:

Specifications	Name:	Last Name:
Address		
City:	Country:	
Province:	Postal Code:	
Education:		
Description:		
Telephone (Home):	Job:	Email:
Cell:		
Work:		

مشخصات	نام:	نام خانوادگی:
آدرس:		
شهر:	کشور:	
استان:	کد پستی:	
تحصیلات:		
توضیحات:		
تلفن (موتل):	شغل:	آدرس الکترونیکی:
همراه:		
محل کار:		

بارها اعدام شدم!



روزنامه شرق: کبری رحمانپور ظهر دیروز بعد از آزادی و بازگشت به خانه در گفت‌وگویی از سال‌های سخت زندان و لحظه آزادی‌اش گفت. چطور فهمیدی قرار است آزاد شوی؟ از دو ماه پیش می‌گفتند می‌توانی با وثیقه آزاد شوی ولی من جدی نمی‌گرفتم چون در این سال‌ها بارها به من گفته بودند آزاد می‌شوی ولی هیچ‌وقت جدی نبود.

چطور فهمیدی این‌دفعه جدی است؟

ساعت 9 و نیم صبح امروز-یکشنبه- به من گفتند به دفتر روانشناسی بروم. روانشناس خودم و یک روانشناس دیگر آنجا بودند. آن دو می‌خندیدند و وقتی من را دیدند، گفتند کبری قرار است امروز آزاد شوی! من هم خندیدم فکر می‌کردم شوخی می‌کنند. یک‌دفعه روانشناسم گفت کبری ما شوخی نمی‌کنیم تو واقعا امروز آزاد می‌شوی. شوکه شدم. باورم نمی‌شد. سریع به سالن رفتم و با خانه‌مان تماس گرفتم. مادرم گوشی را برداشت و گفت کبری امروز آزاد می‌شوی. به گریه افتادم. سریع سراغ وسایلم رفتم و هرچیزی را که فکر می‌کردم یادگار این سال‌هاست، جمع کردم و ساکم را بستم. در همه این مدت گریه می‌کردم. ساعت 12 و نیم بود که به من گفتند به پدرم زنگ بزنم و پرسیم کارهای وثیقه تمام شده است یا نه؟ به من گفتند برای آزادی‌ام تا ساعت چهاربعدازظهر صبر نمی‌کنند و هروقت کارهای اداری تمام شود، اجازه آزادی می‌دهند. پدرم گفت کارها را انجام داده او خودش را به زندان رساند و کارها انجام شد و من برگه آزادی‌ام را انگشت زدم.

درباره اولین صحنه بعد از آزادی توضیح بده.

پدرم با همسایه‌مان آمده بود. آنها من را سوار ماشین کردند همان موقع مادرم به تلفن همسایه زنگ زد و پدرم گوشی را به من داد و گفت با مادرت حرف بزن آن موقع بود که فهمیدم من اصلا نمی‌دانم موبایل چطور کار می‌کند. فهمیدم چقدر با دنیا غریبه شده‌ام. الان از هیچ جای تهران بلد نیستم به خانه‌مان برگردم.

فکر می‌کردی روزی آزاد شوی؟

من و بقیه محکومان در زندان با اعدام هر زندانی، اعدام می‌شدیم. من با هرکدام از آنهایی که اعدام شدند، مجازات شدم. در این سال‌ها بارها اعدام شده‌ام. الان که در خانه هستم هنوز احساس می‌کنم بقیه زندانیان هم کنارم هستند. ای کاش آنها هم رضایت بگیرند.

اگر بخواهی دوران زندان را خلاصه توصیف کنی، چه می‌گویی؟
زندان برای ما مثل گور دسته‌جمعی است چون هرکدام از ما منتظر اعدام بودیم و هر لحظه ممکن بود بمیریم.

در زندان چه کار می‌کردی؟

اول بخش فرهنگی بودم. در کتابخانه کار می‌کردم و به بقیه زندانیان سواد یاد می‌دادم. بعد من را به کارگاه بردند و بعد چون زندانی سالمی بودم من را به پست قضایی بردند و در آنجا برای زندانیان نامه خطاب به قضات می‌نوشتم و کمک می‌کردم تا نامه‌ها را پست کنند. چهارسال هم همیار روانشناس بودم.

الان چه احساسی داری؟

نمی‌دانم روی زمین هستم یا توی هوا. هنوز خودم را پیدا نکرده‌ام. خانه‌مان مثل سابق است اما پدر و مادرم پیر شده‌اند.

بدترین خاطرات در دوران زندان چیست؟

شبی که شهلا اعدام شد. چون هیچکس خبر نداشت قرار است شهلا اعدام شود و او لحظه آخر درحالی‌که رنگ‌ورویش پریده بود به من گفت کبری من را دارند برای اعدام می‌برند، ما روبوسی کردیم و من بغلش کردم و گفتم امیدوار باش فردا صبح اینجا می‌بینمت. آن اواخر شهلا را به بند معتادان برده بودند و او به همین دلیل شرایط روحی به‌هم‌ریخته‌ای داشت و به همین دلیل هم درخواست کرد پرونده‌اش زودتر تعیین تکلیف شود. شهلا بهیار بود و خیلی به زندانیان کمک می‌کرد مخصوصا نیمه‌شب‌ها که زندانیان مریض می‌شدند و دکتر نبود.

وقتی در خانه‌ات را دیدی چه احساسی داشتی؟

اول خانه‌مان را نشناختم وقتی پدرم گفت اینجا خانه‌مان است از ماشین پیاده شدم و وقتی مادرم در را باز کرد، منتظر بودم چند مامور پشت در باشند. اضطراب داشتم که نکند دوباره من را برگردانند. وقتی وارد خانه شدم، اولین صحنه‌ای که دیدم سه کبوتری بود که مادرم برایشان دانه ریخته بود و به‌خاطر آزادی من آنها را آزاد کرده بود. من از درهای بسته بدم می‌آید چون سال‌ها پشت درهای بسته بودم برای همین از مادرم خواستم هیچ وقت درهای خانه را نبندد و هرکس هم خواست به خانه‌مان بیاید چه آشنا و چه غریبه او را راه بدهد.

فکر نمی‌کنی به روان‌درمانی نیاز داری؟

این را مشاورم هم به من گفت که وقتی آزاد شدم باید تا مدت‌ها روان‌درمانی شوم تا آماده ورود به جامعه بشوم. حتما روان‌درمانی را از هفته آینده شروع می‌کنم.

«روایت سخنگوی کمیسیون قضایی از آخرین تغییرات قانون مجازات اسلامی»

نخستین قانون مجازات در ایران دیماه سال 1304 به تصویب رسید. این قانون 289 ماده داشت که طی سه مرحله تصویب شد. پس از پیروزی انقلاب سه قانون حدود و قصاص، دیات و کلیات در سال 1361 به تصویب رسید و به صورت آزمایشی برای مدت پنج سال به مرحله اجرا درآمد. و سال 75 مدت اجرای آن برای 10 سال دیگر تمدید شد. سرانجام سال 86 برای تصویب یک قانون جامع، لایحه مجازات اسلامی شامل کلیات، حدود، قصاص و دیات از سوی قوه قضائیه تهیه و به دولت فرستاده شد. پس از تصویب این لایحه در دولت، آذر سال 86 لایحه به مجلس فرستاده شد. قانون مجازات اسلامی پس از چند سال بحث و بررسی در مجلس هشتم، بهار سال گذشته به شورای نگهبان ارسال شد. با رفع ایرادات شورای نگهبان در مجلس این قانون به دولت ابلاغ شد و سرانجام برای اجرا ابلاغ شد. محمد علی اسفغانی سخنگوی کمیسیون قضایی در گفت و گو با خبرنگاران درباره این قانون توضیحاتی داد که می‌خوانید:

«سنگسار حذف نشد»

وضعیت رجم (سنگسار) در قانون جدید مجازات اسلامی بالاخره چه شد؟ چون بعد از ایراد شورای نگهبان اعلام شد که این قانون اجرا نمی‌شود؟

مسئله «رجم» حذف نشده، اما بحث بر سر این بود که رجم در قانون نیاید، اما چون بحث شرعی داشت حذف نشد و عنوان رجم در قانون هست، اما اینکه به چه سبکی اجرا شود در قانون نیست و به اجرا واگذار شده است.

تغییر مهم دیگری که در این لایحه روی داده، مربوط به حدود و قصاص افراد زیر 18 سال است.

بله. این موضوع در سال‌های اخیر یکی از مباحث بحث برانگیز در حوزه قضا بود. با تصویب این لایحه و اجرای آن چنانچه در کمال عقل و رشد افراد زیر 18 سال شبهه ای ایجاد شود حدود و قصاص برای آنها اجرا نمی‌شود. همچنین مطابق این مصوبه، مجازات‌های تعزیری برای افراد زیر 18 سال با افراد بالای 18 سال متفاوت است. همچنین دیگر افراد زیر 18 سال به زندان محکوم نشده و به مراکز تربیتی همچون کانون اصلاح و تربیت منتقل می‌شوند. همچنین قانون مجازات جدید ضمن آنکه همچون گذشته سن مسئولیت کیفری را برای دختران 9 سال تمام قمری قرار داده، تلاش کرده است تا با ایجاد راهکاری عملی، برای برون رفت از مشکلات حاضر سن مسئولیت کیفری دختران و دادرسی ویژه نوجوانان اقدام کند. بدین جهت در این قانون، نظامی دوگانه برای مسئولیت کیفری پذیرفته شده است، یعنی در حالی که در جرایم تعزیری سن مسئولیت کیفری 18 سال شمسی تعیین و قائل به پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی شده است، اما در جرایم حدود و قصاص، سن 9 و 15 سال قمری را ملاک قرار داده و همان مسئولیت را برای دختران 9 سال قمری به بالا قائل است. تغییر مهمی که در این قانون روی داده، با تصویب این لایحه و اجرای آن، چنانچه در کمال عقل و رشد افراد زیر 18 سال شبهه ای ایجاد شود، حدود و قصاص برای آنها اجرا نخواهد شد. همچنین براساس این مصوبه، مجازات‌های تعزیری برای افراد زیر 18 سال با افراد بالای 18 سال متفاوت است. همچنین افراد زیر 18 سال به زندان محکوم نشده و به مراکز تربیتی همچون کانون اصلاح و تربیت منتقل خواهند شد. قانونگذاران تلاش کرده‌اند با ملاک قرار دادن «رشد عقلی» علاوه بر میزان سن، راهکاری عملی در اختیار دادگاه و قاضی قرار دهند تا از صدور مجازات‌های حدی چون قصاص خودداری کنند و براساس ماده 90 این لایحه «در جرایم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم خواهند شد.» تبصره این ماده نیز تکلیف کرده است که «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند از نظر پزشکی قانونی یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.» این اقدام، صرف نظر از ابهام در واژه کمال عقل و ایرادهای وارد بر روش‌های احراز رشد عقلی گامی مثبت تلقی می‌شود، اما همچنان می‌تواند دختران 9-18 سال را در معرض مجازات سنگین قرار دهد.

سقط جنین قصاص ندارد

گویا در قانون جدید سقط جنین حتی پس از دمیده شدن روح نیز قصاص ندارد؟
در ماده 316 تا 313 قانون جدید مقرر داشته «سقط عمدی جنین حتی پس از دمیده شدن روح در آن قصاص ندارد و محکوم به پرداخت دیه است و در صورتی که بدون مجوز قانونی باشد، طبق مقررات تعزیر می‌شود.» در بخش دیات، تعزیری در دیه سقط جنین داده نشده و ماده 427-1 تا 427-6 دیه سقط جنین را بیان می‌کند.

این قانون الان هم به صورت آزمایشی اجرا می‌شود؟

بله. چون تعداد مواد آن حدود 700 ماده است و زمان زیادی برای رسیدگی نیاز دارد، طبق ماده 85 قانون اساسی به صورت آزمایشی اجرا می‌شود تا اصلاحات هم اجرا شود.



اعتراضات گسترده ی مردم ترکیه

اعتراضات مردم ترکیه به تخریب "پارک قزی" در نزدیک میدان تقسیم و تبدیل آن به یک مرکز تجاری شروع شد، با دخالت سرکوبگرانه پلیس به همه شهرهای اصلی ترکیه از جمله استانبول، آنکارا و ازمیر ... کشیده شد. میدان تقسیم در استانبول به مرکز تجمع جوانان و مردم ناراضی تبدیل شده است. در درگیری های چند روز اخیر که با اعتراض به سیاست های دولت و تنفر و نارضایتی عموم مردم همراه شده صدها نفر مجروح و عده ی زیادی بازداشت شده اند و همچنان صدای اعتراضات و مبارزات آزادی خواهانه زنان و مردان علیه سیاست های اسلامگرایانه دولت ادامه دارد.

اسلامگرایی و تجاوز جنسی به زنان: از تجاوز ماموران رژیم به دختران باکره قبل از اعدام تا «جهاد النکاح» توسط اسلامگرایان سوری - اردیبهشت ۲۵م، ۱۳۹۲ روشنگری

آفتاب: «نافی بیلاری گفت: گروه های تروریستی مخالف دولت سوریه به هتک حرمت های خود شدت بخشیده اند و گاهی آن را با نام «جهاد النکاح» ذکر می کنند.

به گزارش شیعه نیوز کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد «نافی بیلاری» در اولین اعتراف رسمی این سازمان به هتک حرمت زنان و دختران سوری توسط تروریست های وهابی اذعان کرد و گفت: گروه های تروریستی مخالف دولت سوریه به هتک حرمت های خود شدت بخشیده اند و گاهی آن را با نام «جهاد النکاح» ذکر می کنند و یا اینکه زنان و دختران سوری را با عنوان اسیران جنگی خطاب می کنند و این عمل خود را مباح می دانند. وی در ادامه ی سخنان خود تاکید کرد: پس از شنیدن آمارهای مربوط به این پدیده، وضعیت زنان و دختران سوری به شدت نگران کننده است.

اما «بیلاری» در ادامه ی سخنانش در یک جانبداری آشکار از تروریست های مخالف، از تلاش دولت ارتش سوریه و محاصره منطقه ی «القصیر» واقع در غرب سوریه توسط این ارتش برای پاکسازی آن از تروریست ها ابراز نگرانی کرد و افزود: از به وقوع پیوستن فجایع بیشتر در این منطقه می ترسم؛ وی با این سخنان سکوت جامعه ی بین المللی را در مورد اشغال این منطقه از ماهها پیش توسط عناصر وهابیت و قتل صدها بی گناه و هتک حرمت زنان و ... به دست این عناصر را نادیده گرفت.

افزایش خودکشی زنان در کردستان - خبر رسانی گُردپا

بر پایه ی اخبار انتشار یافته، با خودکشی یک دختر ۲۳ ساله در شهر خوی و همچنین خودکشی یک دختر ۲۰ ساله در شهر دهلران، آمار زنان و دختران گُردی که از ابتدای سال جاری اقدام به خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داده اند به ۱۵ مورد رسید.

روز چهارشنبه یکم خردادماه، دختر ۲۳ ساله ای به نام "فاتمه نیسانی"، به علت فشار خانواده جهت ازدواج اجباری، اقدام به خود سوزی نموده و جاننش را از دست داده است.

از دیگر سو، روز چهارشنبه هشتم خردادماه دختری با نام خانوادگی "جادی" ۲۰ ساله و ساکن شهر دهلران به دلیل فقر و ابتلاء به یک بیماری صعب العلاج با طناب دار خود را حلق آویز کرده و به زندگی خود پایان داد. بنا به گفته منابع مطلع، این دختر جوان تا مقطع دیپلم توسته بود ادامه تحصیل دهد اما به دلیل فقر و همچنین ابتلاء به بیماری، اقدام به خودکشی کرده است.

بر اساس آمارهای ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبررسانی گُردپا، از آغاز فروردین ماه سال جاری تاکنون ۱۵ زن و دختر به دلایل مختلف در مناطق گُردنشین ایران با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داده اند.

از این تعداد ۱۰ تن به از طریق خودسوزی و ۳ تن هم با حلق آویز کردن به زندگی خود پایان داده اند. این آمار نسبی است و با تأکید بر گزارشات ثبت شده در مرکز آژانس خبررسانی گُردپا منتشر می شود، احتمال می رود آمار واقعی بیش از این تعداد باشد.

برای همکاری با سازمان رهائی زن می‌توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تماس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس: 00447862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: **مینو همتی**

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

استکهلم: **بری زارع**

تلفن تماس: 0046762308064

رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: **سالار کرداری**

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: rahai_zan@yahoo.com

آلمان: **شراره رضائی**

تلفن تماس: 004915210189801

ایمیل: Shararehzeaei.p@gmail.com



تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت تهران و باز بخش، شنبه ها 17:30 به وقت تهران می‌توانید بیننده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

مینو همتی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و معضلات زنان در ایران و خارج از ایران را با میهمانان برنامه به بحث میگذارد.